



arabi_7_8_9



باور کن
میتونی



قواعد عربی متوسطه اول پایه هشتم

تهیه کنندگان: مهران بهزادی _ فروزان ماندنی

دبیران عربی استان فارس



فهرست مطالب

درس اول (مرور آنچه در عربی پایه هفتم یاد گرفتید)

درس دوم (فعل مضارع ، افعال اول و دوم شخص مفرد ، ضمیر و اقسام آن)

درس سوم (فعل مستقبل " آینده ")

درس چهارم (افعال مضارع سوم شخص مفرد و اول شخص جمع _ ضمائر منفصل و متصل آنها)

درس پنجم (کاربرد حرف " ما ")

درس ششم (فعل مضارع دوم شخص جمع و ضمائر منفصل ، متصل آنها _ معرفی کلمه پرسشی لماذا

و شیوه پاسخ دادن به آن _ فعل مضارع منفی)

درس هفتم (معرفی کلمه ی پرسشی " متى " و شیوه پاسخ دادن به آن)

درس هشتم (فعل مضارع سوم شخص جمع و ضمائر منفصل و متصل آن)

درس نهم (معرفی کلمه ی پرسشی " کیف " و شیوه پاسخ دادن به آن _ ترجمه عند و " ل، ا، ل "

درس دهم (ساعت خوانی)

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

درس اول (مرور آنچه در عربی پایه هفتم یاد گرفتید)

مذکر : " نشانه ندارد " مانند: المعلم ، الكتاب و...

اسم از نظر جنس

مونث : " علامت اسم مونث " ة " است " مانند : المعلمة ، النافذة و....

مفرد

ثنی

جمع

اسم از نظر تعداد

☆ اسم مفرد ☆ به اسمی گفته می شود که بر **یک نفر** ، **یک چیز** دلالت می کند و آن یک نفر می تواند انسان ، حیوان و اشیاء باشد. مانند: رَجُلٌ (یک مرد) ، بقرةٌ (یک گاو) ، لوحةٌ (یک تابلو) و....

علامت اسم مفرد مذکر ← " نشانه ندارد "

مانند : طالبٌ (دانش آموز پسر) ، سعیدٌ (اسم پسر) ، الغرابٌ (کلاغ) ، البابٌ (در) و....

علامت اسم مفرد مونث ← " ة " است .

طالبةٌ (دانش آموز دختر) ، فاطمةٌ (اسم دختر) ، البقرةٌ (گاو ماده) ، النافذةٌ (پنجره) و....



☆ اسم مثنیٰ ☆ به اسمی گفته می شود که بر **دو نفر**، **دو چیز** دلالت می کند و آن دونفر ، دوچیز می تواند انسان ، حیوان و اشیاء باشد . مانند: طالبان(دو دانش آموزپسر)، بقرتان(دو گاو ماده)، قلمان(دو مداد) علامت اسم مثنیٰ در عربی ← " ان ، ین " است که به آخر اسم مفرد اضافه می شود.

اسم مثنیٰ مذکر مانند : ←

طالب (یک دانش آموزپسر) + ان ، ین = طالبان ، طالبین (دو دانش آموزپسر)

اسم مثنیٰ مؤنث مانند : ←

طالبة (یک دانش آموزدختر) + ان ، ین = طالبتان ، طالبتین (دو دانش آموزدختر)

☆ اسم جمع ☆ به اسمی گفته می شود که **بربیش از دو نفر**، **دو چیز** دلالت می کند و می تواند انسان ، حیوان و اشیاء باشد . و به سه شکل زیر آورده می شود.

جمع مکسر

جمع مؤنث سالم

جمع مذکر سالم



جمع مذکر سالم

علامت جمع مذکر سالم " **ونَ** _ **ینَ** " است که به آخر اسم مفرد مذکر اضافه می شود.

مانند: طالب + **ونَ** = طالبونَ (دانش آموزان) مانند: طالب + **ینَ** = طالبینَ (دانش آموزان)

جمع مؤنث سالم

علامت جمع مؤنث سالم " **ات** " است که به آخر اسم مفرد مؤنث اضافه می شود.

مانند: طالبة + **ات** = طالبات (دانش آموزان)

جمع مکسر (شکسته)

علامت جمع مکسر ← " **نشانه و علامت خاصی ندارد و باید آنها را حفظ کرد** "

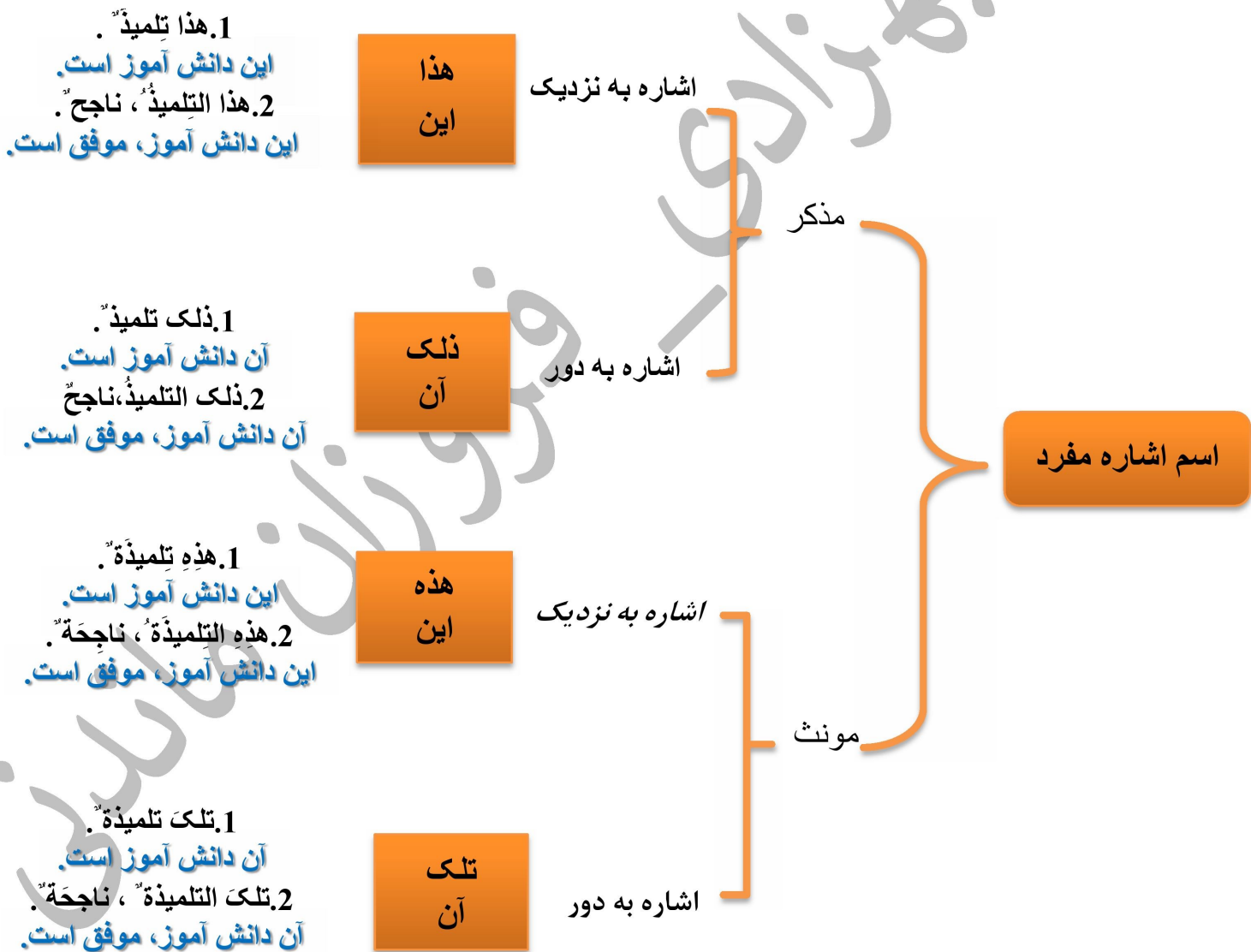
مانند: قلم (مداد) ← أقلام (مدادها). مانند: حدیقة (باغ) ← حدائق (باغها)



اسماء اشاره

اسم اشاره اسمی است که برای اشاره کردن استفاده می شود ، اسماء اشاره در عربی به سه دسته زیر تقسیم می شود :

1. اسم اشاره مفرد
2. اسم اشاره مثنی
3. اسم اشاره جمع



اسم اشاره مثنی

اشاره به نزدیک (مذکر)

هذان
این دو (اینها)

مانند: هذان تلمیذان .
این دو ، دانش آموز هستند.
مانند: هذان التلمیذان ، مسروران .
این دانش آموزان ، خوشحال هستند.

اشاره به نزدیک (مونث)

هاتان
این دو (اینها)

مانند: هاتان تلمیذتان .
این دو ، دانش آموز هستند.
مانند: هاتان التلمیذتان ، مسرورتان .
این دانش آموزان ، خوشحال هستند.

اسم اشاره جمع

اشاره به نزدیک (مذکر و مونث)

هؤلاء
اینها

مانند: هؤلاء معلمون (مذکر)
اینها ، معلم هستند.
مانند: هؤلاء المعلمون ، فائزون (مذکر)
این معلمان ، برنده هستند.

اشاره به دور (مذکر و مونث)

اولئك
آنها

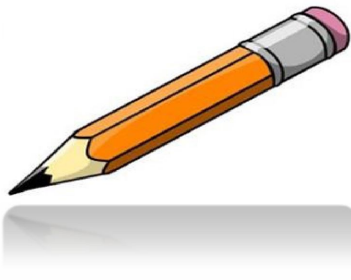
مانند: اولئك معلمون (مذکر)
آنها ، معلم هستند.
مانند: اولئك المعلمون ، فائزون (مذکر)
آن معلمان ، برنده هستند.

مانند: اولئك مُعلِّماتٌ. (مونث)
آنها ، معلم هستند.
مانند: اولئك المُعلِّماتُ ، فائزاتٌ. (مونث)
آن معلمات ، برنده هستند.

کلمات پرسشی (استفهامی) : کلماتی هستند که برای **سوال کردن** به کار می روند و این کلمه ها همیشه در **اول جمله** قرار می گیرند و عبارت اند از:

هل_أ

کلمات پرسشی "**هل_أ**" به معنای **آیا** می باشد ، برای سوال کردن درباره **هست** و **نیست** و **یا بود** و **نبود** یک موضوع که در مورد آن **شک** و **تردید** داریم استفاده می شود. در جواب باید از کلمه "**نعم**" به معنی "**بله**" در صورتی که جواب "**مثبت**" باشد و یا از کلمه "**لا**" به معنی "**نه**" در صورتی که جواب "**منفی**" باشد ، در **ابتدای پاسخ** به سوال استفاده کرد.



آیا این مداد است؟

مانند : هل هذا قلم؟

بله این مداد است.

نعم ، هذا قلم.

من

کلمه پرسشی "**من**" به معنای **چه کسی** ، **چه کسانی** ، **کیست** می باشد ، برای سوال کردن درباره **کیستی** **شخص** ، **اشخاص** (**جهت شناسایی اشخاص**) استفاده می شود. (برای انسان کاربرد دارد).

در جواب از "**نام اشخاص**" یا "**شغل اشخاص**" استفاده می شود.

او کیست؟

مانند 1: من هو؟

او علی است.

هو علی.

او کیست؟

مانند 2: من هو؟

او معلم است.

هو معلم.



لَمَنْ

کلمه پرسشی " لَمَنْ " به معنای برای چه کسی ، برای چه کسانی (مال کیست) می باشد ، برای سوال کردن درباره مالکیت اشخاص و اشیاء استفاده می شود.

در ابتدای جواب باید از " لِ " به معنی " برای " استفاده کرد

این مداد مال کیست؟

لَمَنْ هَذَا الْقَلَمُ؟

مال مریم است. (برای مریم است)

لِمَرِيْمٍ.



ما وماذا

کلمه پرسشی " ما " و " ماذا " به معنای " چه ، چه چیز ، چیست " می باشد ، برای سوال کردن درباره چیستی موضوعات گوناگون استفاده می شود. (برای غیرانسان " اشیاء و حیوان " کاربرد دارد).

این چیست؟

مانند 1 : ما هذا؟

این خانه است.

هذا بيتٌ.



چه چیزی در دست پسر است؟

مانند 2 : ماذا في يَدِ الْوَلَدِ؟

کتاب.

الکتابُ



أَيْنَ

کلمه پرسشی "أَيْنَ" به معنای "کجا" می باشد ، برای سوال کردن درباره مکان (جهات) اشیاء و اشخاص استفاده می شود.

جواب به سوالی که با "أَيْنَ" آغاز شده باید چگونه باشد ؟

در ابتدای جواب باید از کلمات زیر استفاده کنیم :



معلم کجاست؟

معلم در کلاس است.

مانند: : أَيْنَ الْمُعَلِّمِ؟

المُعَلِّمِ فِي الصَّفِّ.

مِنَ أَيْنَ

کلمه پرسشی "مِنَ أَيْنَ" به معنای "اهل کجا ، از کجا" می باشد ، برای سوال کردن درباره محل و مکان زندگی اشخاص استفاده می شود. و این کلمه پرسشی همیشه در **اول جمله سوالی** قرار می گیرند.

مانند 1 : **مِنَ أَيْنَ أَنْتَ ؟**

تواهل کجایی؟

أنا من ایران . (أنا إيرانيّ)

من اهل ایرانم (ایرانی هستم).

كَمْ

کلمه پرسشی "كَمْ" به معنای "چند ، چه مقدار" می باشد ، برای پرسش درباره تعداد اشیاء و اشخاص استفاده می شود.

جواب به سوالی که با "كَمْ" آغاز شده باید چگونه باشد ؟

باید از عدد های اصلی (شمارشی) استفاده کنیم که عبارت اند از:



سِتَّة



خَمْسَة



أَرْبَعَة



ثَلَاثَة



إِثْنَان



وَاحِد



إِثْنَا عَشَرَ



أَحَدَ عَشَرَ



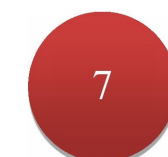
عَشْرَة



تِسْعَة



ثَمَانِيَة



سَبْعَة

چند کلید اینجاست ؟

پنج تا.

مانند : كَمْ مِفْتَاحاً هُنَا ؟

خَمْسَة.



کیف

کلمه پرسشی "کیف" به معنای "چطور، چگونه" می باشد، برای پرسش از کیفیت، حالت و چگونگی (اشیاء و اشخاص) _ (انجام یک کار) استفاده می شود. و این کلمه پرسشی همیشه در اول جمله سوالی قرار می گیرند.



مانند 1: کیف حالک؟ حالت چطور؟
أنا بخیر. من خوبم.

مانند 2: کیف ذهبت؟ چگونه رفتی؟
ذهبت بسرعة. به سرعت رفتم.

مانند 3: کیف الجو؟ هوا چطور؟
الجو حار. هوا گرم است.



" جدول فعل ماضی همراه با ضمائر منفصل و ضمائر متصل "

ترجمہ	فعل ماضی	تصویر	شخص
من تکلیفم را نوشتم.	أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبِي		اول شخص مفرد
تو تکلیفت را نوشتی.	أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبِكَ		دوم شخص مفرد
	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِكِ		
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ		سوم شخص مفرد
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا		
ما تکلیفمان را نوشتیم.	نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبَنَا		اول شخص جمع
شما تکلیفشان را نوشتید.	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبِكُمْ		دوم شخص جمع
	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجِبِكُنَّ		
	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا وَاجِبِكُمَا		
آنها تکلیفشان را نوشتند.	هُمْ كَتَبُوا وَاجِبَهُمْ		سوم شخص جمع
	هُنَّ كَتَبْنَ وَاجِبَهُنَّ		
	هُمَا كَتَبَا وَاجِبَهُمَا		
	هُمَا كَتَبَتَا وَاجِبَهُمَا		

در زبان عربی برای **منفی کردن افعال ماضی** به روش زیر عمل می کنیم :

ما + فعل ماضی = فعل ماضی منفی

مانند:

ما + ذَهَبْتُ (رفتم) = ما ذَهَبْتُ (نرفتم)

ما + خَرَجْتُ (خارج شد "مونث") = ما خَرَجْتُ (خارج نشد "مونث")

ما + كَتَبْتُ (نوشتی "مذکر") = ما كَتَبْتُ (ننوشتی "مذکر")



الألوان " رنگ ها "

سیاه



أسود

سفید



أبيض

قرمز



أحمر

آبی



أزرق

سبز



أخضر

زرد



أصفر



فصول " فصل ها "



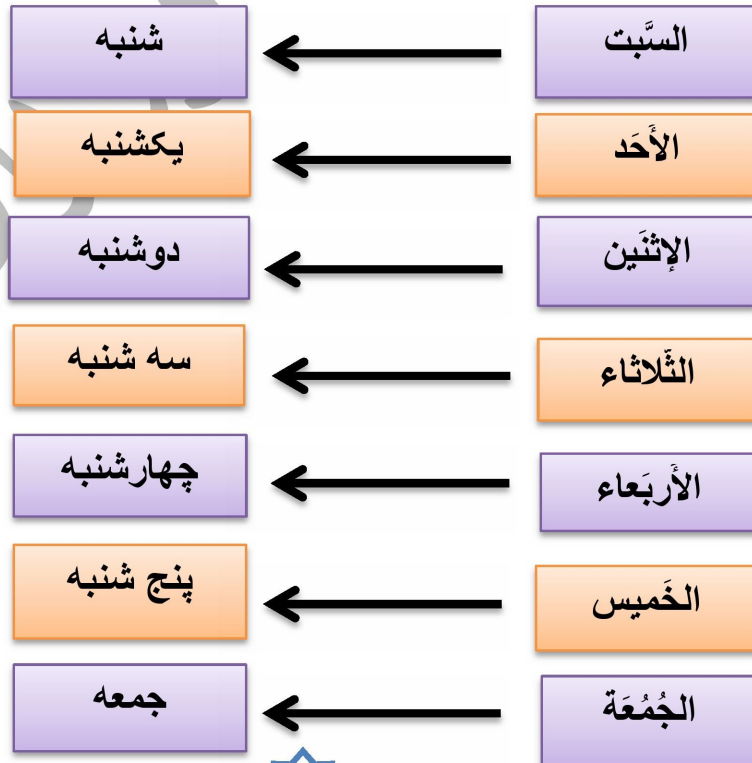
الرَّبِيع : بهار

الصَّيْف : تابستان

الخَرِيف : پاییز

الشَّتَاء : زمستان

أيامُ الأسبوع " روزهای هفته "



روزها



الدَّرْسُ الثَّانِي

درس دوم (فعل مضارع ، افعال اول ودوم شخص مفرد ، ضمير واقسام آن)

✓ فعل ماضی را در سال گذشته به طور کامل یاد گرفتید ، حالا وقتش هست که فعل مضارع را یاد بگیرید.

بر معنای مستقلی دلالت میکند و وابسته به زمان است ، در واقع بر انجام دادن کار یا پدید آمدن حالتی در زمان " گذشته ، حال و یا آینده " دلالت دارد که شما امسال با فعل مضارع (حال یا آینده) آشنا خواهید شد.

فعل

فعلی است که بر انجام دادن کار یا پدید آمدن حالتی در زمان " حال یا آینده " دلالت دارد.

مانند : **يَذْهَبُ** (می رود) ، **تَكْتُبَانِ** (می نویسید) ، **أَفْعَلُ** (انجام می دهم)

فعل مضارع

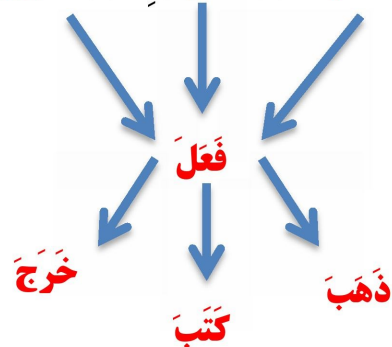
★ نکته طلایی 1 ★

فعل مضارع دارای ریشه سه حرفی می باشد که با افزودن حروف مضارعة (**نَ ـ يَ ـ اُ ـ اَ ـ اِ**) به ابتدای ریشه فعل و علامت ها (**شناسه**) به آخر ریشه فعل معنای گوناگونی می یابند.

" تبدیل فعل ماضی به فعل مضارع " (به عبارت دیگر برای تبدیل فعل ماضی به فعل مضارع حروف مضارعة (**نَ ـ يَ ـ اُ ـ اَ ـ اِ**) به ابتدای ریشه فعل و علامت ها (**شناسه**) به آخر ریشه فعل اضافه می شود.

ریشه سه حرفی فعل ها برون " **فَعَلَ** " می باشند.

مانند : **يَذْهَبُ** _ **تَكْتُبَانِ** _ **أَخْرَجُ**



" فعل مضارع اول شخص مفرد "

فعلی که انجام کار را به خود گوینده نسبت می دهد این فعل برای **مذکر** و **مونث** یکسان است حرف مضارعة (أ) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود. این فعل علامت (شناسه) مخصوصی ندارد.

نکته طلایی 2

آخر فعل اول شخص مفرد علامت (شناسه) خاصی **ندارد** فقط باید به این نکته توجه کرد که در پایان این فعل (اول شخص مفرد) حرکت **ـُ** "ضمه" قرار می گیرد.

فعل مضارع اول شخص مفرد در فارسی همان "من" هست که در فارسی مانند عربی برای مذکر و مونث یکسان است: مانند **من می روم**، **من انجام می دهم** و.....

روش ساخت فعل مضارع اول شخص مفرد در زبان فارسی:

می + بن فعل + شناسه = فعل مضارع اول شخص مفرد

می + رو + م = می روم

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع اول شخص مفرد در زبان عربی:

حرف مضارعة (أ) + ریشه فعل (سه حرف اصلی) = فعل مضارع اول شخص مفرد

أ + كَتَبَ = **أَكْتُبُ** (می نویسم)

" معرفی ضمیر وانواع آن "

ضمیر چیست؟

کلمه ای است که به جای اسم قرار می گیرد و از تکرار اسم جلوگیری می کند.

مانند: **زهرا** به بازار می رود، **او** کتابی برای دوستش می خرد.

همانطور که می بینید ضمیر "او" از تکرار اسم "**زهرا**" جلوگیری می کند.



ضمیر به دودسته تقسیم می شود :

2. ضمائر مُتَّصِل (چسبیده)

1. ضمائر مُنْفَصِل (جدا)

ضمائر مُنْفَصِل (جدا)

ضمائر مُنْفَصِل از ریشه "فَصَل" و به معنای جدا است یعنی ضمائر مُنْفَصِل به آخر کلمه نمی چسبند و به تنهایی معنای مستقلی دارند و جمله می تواند با آنها آغاز شود.

ضمائر مُتَّصِل (چسبیده)

ضمائر مُتَّصِل از ریشه "وَصَل" و به معنای چسبیده است یعنی ضمائر مُتَّصِل به آخر کلمه می چسبند و به تنهایی هیچ معنای مستقلی ندارند.

" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع اول شخص مفرد "

ضمیر مُنْفَصِل : انا

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع اول شخص مفرد

انا + اکتب ← انا اکتب

(من می نویسم.)

ضمیر مُتَّصِل : ی

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع اول شخص مفرد + ضمیر مُتَّصِل

انا + اکتب + واجبی ← انا اکتب واجبی

(من تکلیفم را می نویسم)



" فعل مضارع دوم شخص مفرد "

فعل مضارع دوم شخص مفرد فعلی است که برای صحبت با یک شخص حاضر و نسبت دادن کاری یا حالتی به او به کار می رود و به دو دسته تقسیم می شود که عبارت است از:

1. فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر 2. فعل مضارع دوم شخص مفرد مؤنث

✓ ابتدا به بررسی فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر می پردازیم.

در فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر حرف مضارعة (نَ) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود. این فعل علامت (شناسه) مخصوصی ندارد.

★ نکته طلایی 3 ★

آخر فعل دوم شخص مفرد مذکر علامت (شناسه) خاصی **ندارد** فقط باید به این نکته توجه کرد که در پایان این فعل (**دوم شخص مفرد مذکر**) حرکت **ُ** " **ضمه** " قرار می گیرد.

فعل مضارع دوم شخص مفرد در فارسی همان " **تو** " هست که در فارسی برای مذکر و مؤنث یکسان است : مانند **تو می روی**، **تو انجام می دهی** و.....

روش ساخت فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر در زبان فارسی :

می + **بن فعل** + **شناسه** = **فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر**

می + **نویس** + **ی** = **می نویسی**

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر در زبان عربی :

حرف مضارعة (نَ) + **ریشه فعل (سه حرف اصلی)** = **فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر**

نَ + **كَتَبَ** = **تَكْتُبُ** (می نویسی)

" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر "

ضمير مُنْفَصِل : أَنْتَ

ضمير مُنْفَصِل + فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر

أَنْتَ + تَكْتُبُ ← أَنْتَ تَكْتُبُ

(تو می نویسی " مذکر ")

ضمير مُتَّصِل : كَ

ضمير مُنْفَصِل + فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر + ضمير مُتَّصِل

أَنْتَ + تَكْتُبُ + وَاجِبَكَ ← أَنْتَ تَكْتُبُ وَاجِبَكَ.

(تو تکلیفت را می نویسی " مذکر ")



حالا به بررسی فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث می پردازیم.

در فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث حرف مضارعة (نَ) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود. و علامت (شناسه) " **يَنَ** " به آخر ریشه فعل اضافه می شود.

روش ساخت فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث در زبان فارسی :

می + **بن فعل** + **شناسه** = **فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث**

می + **نویس** + **ی** = **می نویسی**

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث در زبان عربی :

حرف مضارعة (نَ) + ریشه فعل (سه حرف اصلی) + علامت فعل (شناسه) = **فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث**

نَ + **كَتَبَ** + **يَنَ** = **تَكْتُبِينَ** (می نویسی)

" **حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث** "

ضمیر مُنْفَصِل : أَنْتِ

ضمیر مُنْفَصِل + **فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث**

أَنْتِ + **تَكْتُبِينَ** ← **أَنْتِ تَكْتُبِينَ**

(**تُو** می نویسی " مونث ")

ضمیر مُتَّصِل : كِ

ضمیر مُنْفَصِل + **فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث** + **ضمیر مُتَّصِل**

أَنْتِ + **تَكْتُبِينَ** + **وَاجِبِكِ** ← **أَنْتِ تَكْتُبِينَ وَاجِبِكِ**

(**تو تکلیفت** را می نویسی " مونث ")



مقایسه بین فعل ماضی (اول شخص مفرد ، دوم شخص مفرد) با فعل مضارع (اول شخص مفرد ، دوم شخص مفرد)

" جدول فعل ماضی "

شخص	تصویر	فعل ماضی	ترجمه
اول شخص مفرد		أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبِي	من تکلیفم را نوشتم.
دوم شخص مفرد		أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبِكَ	تو تکلیفت را نوشتی.
		أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِكِ	

" جدول فعل مضارع "

شخص	تصویر	فعل مضارع	ترجمه
اول شخص مفرد		أَنَا أَكْتُبُ وَاجِبِي	من تکلیفم را می نویسم.
دوم شخص مفرد		أَنْتَ تَكْتُبُ وَاجِبِكَ	تو تکلیفت را می نویسی.
		أَنْتِ تَكْتُبِينَ وَاجِبِكِ	



★ نکته طلایی 4 ★

با توجه به جداول بالا در فعل های ماضی ریشه فعل (سه حرف اصلی) در اول فعل قرار دارد و سپس علامت ها (شناسه ها) می آیند ولی در فعل های مضارع اول حروف مضارعة (نُ _ ي _ ن _ ا) ، بعد ریشه فعل (سه حرف اصلی) و سپس علامت ها (شناسه ها) می آیند.

مانند:

فعل ماضی: **كَتَبَ** ← **ت** + **كَتَبَ**
ریشه فعل (سه حرف اصلی) + علامت (شناسه)

فعل مضارع: **نَكْتُبُ** ← **ن** + **كَتَبَ** + **يَنَ**
حروف مضارعة + ریشه فعل (سه حرف اصلی) + علامت (شناسه)



الدَّرْسُ الثَّالِثُ

درس سوم (فعل مستقبل " آینده ")

به این نوع فعل ها در زبان فارسی دقت کنید!!!

خواهی رفت _ خواهی نوشت _ خواهم پخت

این فعل ها ، فعل مستقبل (آینده) در زبان فارسی هستند.



فعلی است که بر انجام دادن کار یا پدید آمدن حالتی در زمان " آینده " دلالت دارد.

فعل مستقبل (آینده)

حال می خواهیم با فعل مستقبل (آینده) در زبان عربی آشنا بشویم.



نکته طلایی 1

فعل مستقبل (آینده) از فعل مضارع ساخته می شود ، به دلیل این که مخاطب ما باید حاضر باشد تا با او درباره آینده صحبت کنیم.

" تبدیل فعل مضارع به فعل مستقبل (آینده) "

به عبارت دیگر برای تبدیل فعل مضارع به فعل مستقبل (آینده) یکی از علامت های " سَ " یا " سَوَفَ " به ابتدای فعل مضارع اضافه می شود ، و درابتدای ترجمه آن (فعل مستقبل) از فعل (خواه) استفاده می شود.



سَدَ سَوَفَ + فعل مضارع = فعل مستقبل (آینده)

مانند :

سَدَ سَوَفَ + تَذْهَبِينَ (می روی " مونث ") = سَتَذْهَبِينَ سَوَفَ تَذْهَبِينَ (خواهی رفت)

سَدَ سَوَفَ + تَكْتُبُ (می نویسی " مذکر ") = سَتَكْتُبُ سَوَفَ تَكْتُبُ (خواهی نوشت)

سَدَ سَوَفَ + أَطْبِخُ (می پزم) = سَأَطْبِخُ سَوَفَ أَطْبِخُ (خواهم پخت)



درس چهارم (افعال مضارع سوم شخص مفرد و اول شخص جمع _ ضمائر منفصل و متصل آنها)

" فعل مضارع سوم شخص مفرد "

فعل مضارع سوم شخص مفرد فعلی است که درباره شخصی صحبت می کنیم که در واقع حاضر یا شنونده نیست بلکه غائب است ، و به دو دسته تقسیم می شود که عبارت است از:

1. فعل مضارع سوم شخص مفرد مذکر 2. فعل مضارع سوم شخص مفرد مؤنث

- ✓ ابتدا به بررسی فعل مضارع سوم شخص مفرد مذکر می پردازیم.
- ✓ در فعل مضارع سوم شخص مفرد مذکر حرف مضارعة (**ی**) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود. این فعل علامت (شناسه) مخصوصی ندارد.

★ نکته طلایی 1 ★

آخر فعل سوم شخص مفرد علامت (شناسه) خاصی **ندارد** فقط باید به این نکته توجه کرد که در پایان این فعل (سوم شخص مفرد) حرکت **ـُ** " **ضمه** " قرار می گیرد.

فعل مضارع سوم شخص مفرد در فارسی همان " **او** " هست که در فارسی برای مذکر و مؤنث یکسان است : مانند **او می رود** ، **او انجام می دهد** و.....

روش ساخت فعل مضارع سوم شخص مفرد مذکر در زبان فارسی :

می + **بن فعل** + **شناسه** = **فعل مضارع سوم شخص مفرد مذکر**

می + **نویس** + **دَ** = **می نویسد**

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع سوم شخص مفرد مذکر در زبان عربی :

حرف مضارعة (ی) + **ریشه فعل (سه حرف اصلی)** = **فعل مضارع سوم شخص مفرد مذکر**

ی + **کَتَبَ** = **یَکْتُبُ** (می نویسد)



" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع سوم شخص مفرد مذکر "

ضمیر مُنْفَصِل : هُوَ

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص مفرد مذکر

هُوَ + يَكْتُبُ ← هُوَ يَكْتُبُ .

(او می نویسد " مذکر ")

ضمیر مُتَّصِل : هُ

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص مفرد مذکر + ضمیر مُتَّصِل

هُوَ + يَكْتُبُ + وَاجِبُهُ ← هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَهُ .

(او تکلیفش را می نویسد " مذکر ")



" حالا به بررسی فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث می پردازیم "

در فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث حرف مضارعة (نْ) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود. این فعل علامت (شناسه) مخصوصی ندارد.

روش ساخت فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث در زبان فارسی :
می + بن فعل + شناسه = فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث

می + نویسد + دَ = می نویسد

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث در زبان عربی :

حرف مضارعة (نْ) + ریشه فعل (سه حرف اصلی) = فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث

نْ + كَتَبَ = تَكْتُبُ (می نویسد)

" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث "

ضمیر مُنْفَصِل : هِيَ

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث

هِيَ + تَكْتُبُ ← هِيَ تَكْتُبُ.

(او می نویسد " مونث ")

ضمیر مُتَّصِل : هَا

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث + ضمیر مُتَّصِل

هِيَ + تَكْتُبُ + وَاجِبًا ← هِيَ تَكْتُبُ وَاجِبًا.

(او تکلیفش را می نویسد " مونث ")



★ نکته طلایی 2 ★

" راه تشخیص فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر از فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث "

1. با توجه به ضمیر

مانند :

الف) يا أَيُّهَا التِّلْمِيذُ، أَنْتَ تَجْلِسُ عَلَى الكُرْسِيِّ. " ای دانش آموز ، تو بر روی صندلی می نشینی "

ب) هَذِهِ الأَمْرَأَةُ تَجْلِسُ عَلَى الكُرْسِيِّ. " این زن بر روی صندلی می نشیند "

در مثال الف با توجه به ضمیر " أَنْتَ " فعل تَجْلِسُ فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر است . ولی در مثال ب با توجه به اسم " هَذِهِ الأَمْرَأَةُ " که ضمیر آن " هِيَ " است فعل تَجْلِسُ فعل مضارع سوم شخص مفرد مونث است .

2. با توجه به تصویری که همراه جمله می آید.



" فعل مضارع اول شخص جمع "

فعل مضارع اول شخص جمع فعلی است که به وسیله آن اشخاص **گوینده** انجام کار یا داشتن حالتی را به خود نسبت می دهند، این فعل برای **مذکر** و **مؤنث** یکسان است حرف مضارعة (ن) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود. این فعل علامت (شناسه) مخصوصی ندارد.

★ نکته طلایی 3 ★

آخر فعل اول شخص جمع علامت (شناسه) خاصی **ندارد** فقط باید به این نکته توجه کرد که در پایان این فعل (**اول شخص جمع**) حرکت **ضمه** " قرار می گیرد.

فعل مضارع اول شخص جمع در فارسی همان " ما " هست که در فارسی مانند عربی برای مذکر و مؤنث یکسان است : مانند **مامی رویم** ، **ما انجام می دهیم** و.....

روش ساخت فعل مضارع اول شخص جمع در زبان فارسی :

می + بن فعل + شناسه = فعل مضارع اول شخص جمع

می + رو + یم = می رویم

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع اول شخص جمع در زبان عربی :

حرف مضارعة (ن) + ریشه فعل (سه حرف اصلی) = فعل مضارع اول شخص جمع

ن + کتَبَ + = نکتَبُ (می نویسیم).

" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع اول شخص جمع "

ضمیر مُنْفَصِل : نَحْنُ

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع اول شخص جمع

نَحْنُ + نکتَبُ ← نَحْنُ نکتَبُ (ما می نویسیم).



ضمير مُتَّصِل : نا

ضمير مُنْفَصِل + فعل مضارع اول شخص جمع + ضمير مُتَّصِل

نَحْنُ + نَكْتُبُ + واجِبِنَا ← نَحْنُ نَكْتُبُ واجِبِنَا .

(ماتكليفمان رامى نويسيم)



مقایسه بین فعل ماضی (سوم شخص مفرد، اول شخص جمع) با فعل مضارع (سوم شخص مفرد، اول شخص جمع)

" جدول فعل ماضی "

ترجمه	فعل ماضی	تصویر	شخص
من تکلیفم را نوشتم.	أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبِي		اول شخص مفرد
تو تکلیفت را نوشتی.	أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبِكَ		دوم شخص مفرد
	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِكِ		
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ		سوم شخص مفرد
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا		
ما تکلیفمان را نوشتیم.	نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبَنَا		اول شخص جمع



" جدول فعل مضارع "

ترجمه	فعل مضارع	تصویر	شخص
من تکلیفم را می نویسم.	أنا أَكْتُبُ وَاجِبِي		اول شخص مفرد
تو تکلیفت را می نویسی.	أنتِ تَكْتُبُ وَاجِبِكَ		دوم شخص مفرد
	أنتِ تَكْتُبِينَ وَاجِبِكِ		
او تکلیفش را می نویسد.	هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَهُ		سوم شخص مفرد
	هِيَ تَكْتُبُ وَاجِبَهَا		
ما تکلیفمان را می نویسیم.	نحنُ نَكْتُبُ وَاجِبَنَا		اول شخص جمع



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

درس پنجم (کاربرد حرف " ما ")

حرف ما در زبان عربی دو کاربرد دارد :

" ما " برای **منفی کردن** فعل ماضی.

مانند : ما ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ . (به بازار نرفتم)

" ما " (به معنی چیست ؟) برای پرسش .

مانند: ما اِسْمُ صَدِيقِكَ ؟ (اسم دوست چیست ؟)

" ما " در عربی

" ما " منفی

ما سَمَعْنَا : نشنیدیم.

ما جَلَسَا عَلَى الكُرْسِيِّ : بر روی صندلی نشستند .

ما نَظَرُوا : نگاه نکردند .

ما كَتَبَ عَلَى الدَّفْتَرِ : روی دفتر نوشت.

" ما " پرسشی

ما هَذَا : این چیست ؟.

ما تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى ؟ ای موسی در دست راستت چیست ؟

ما هُوَ حَوْلَ الْبَيْتِ ؟ اطراف خانه چیست ؟

ما هِيَ الْمَشْكَلَةُ ؟ مشکل چیست ؟



★ نکته طلایی 1 ★

"ما" که در ابتدای فعل ماضی می آید و فعل ماضی را به فعل ماضی منفی تبدیل می کند "ما نافية" نام دارد، و نباید آن را با "ما استفهامیة (ما پرسشی)" که برای پرسش به کار می رود اشتباه گرفت.

راه تشخیص "ما نافية" از "ما استفهامیة (ما پرسشی)" :

1. از ظاهر جمله : در جمله ای که "ما استفهامیة (ما پرسشی)" باشد در آخر جمله علامت سوال

"؟" می آید. ولی در جمله ی که "ما نافية" باشد علامت سوال نمی آید.

مانند : الف . ما فَعَلتَ ؟ ما تِلکَ عَلَی الْجَبَلِ ؟ (ما استفهامیة)

ب . ما ذَهَبتُ . (ما نافية)

2. از طریق معنا :

مانند : الف . ما فَعَلتَ ؟ ما تِلکَ عَلَی الْجَبَلِ ؟ (تو چه کاری انجام دادی ؟ بروی کوه چیست ؟)

ب . ما ذَهَبتُ . (نرفتم)



درس ششم (فعل مضارع دوم شخص جمع وضمائر منفصل ، متصل آنها_ معرفی کلمه پرسشی لماذا و شیوه پاسخ دادن به آن_ فعل مضارع منفی)

" فعل مضارع دوم شخص جمع "

فعل مضارع دوم شخص جمع فعلی است که در این فعل درباره افرادی صحبت می کنیم و آنها را مورد خطاب قرار می دهیم که در واقع این افراد حاضریا شنونده هستند ، و در عربی **فعل مضارع دوم شخص جمع** عبارت است از:

1. فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر

2. فعل مضارع دوم شخص جمع مؤنث

فعل مضارع دوم شخص مثنی مذکر

3. فعل مضارع دوم شخص مثنی " که به دو دسته قسمت تقسیم می شود "

فعل مضارع دوم شخص مثنی مؤنث

ابتدا به بررسی **فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر** می پردازیم.

فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر

در فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر حرف مضارعة (نْ) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود و علامت (شناسه) " **وَنَّ** " به آخر ریشه فعل اضافه می شود.

فعل مضارع دوم شخص جمع در فارسی همان " **شما** " هست : مانند **شما می روید** ، **شما انجام می دهید** و.....

روش ساخت فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر در زبان فارسی :

می + بن فعل + شناسه = فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر

می + نویس + ید = می نویسید

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر در زبان عربی :

حرف مضارعة (نْ) + ریشه فعل (سه حرف اصلی) + علامت (شناسه) = فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر

نْ + كَتَبَ + وَنَ = تَكْتُبُونَ (می نویسید)



" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر "

ضمیر مُنْفَصِل : أَنْتُمْ

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر

أَنْتُمْ + **تَكْتُبُونَ** ← **أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ.**

(شما می نویسید. " جمع مذکر ")

ضمیر مُتَّصِل : كُمْ

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر + ضمیر مُتَّصِل

أَنْتُمْ + **تَكْتُبُونَ** + **وَأَجِبْكُمْ** ← **أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ وَأَجِبْكُمْ.**

(شما تکلیفتان را می نویسید. " جمع مذکر ")

حالا به بررسی فعل مضارع دوم شخص جمع مونث می پردازیم.

فعل مضارع دوم شخص جمع مونث

در فعل مضارع دوم شخص جمع مونث حرف مضارعة (نَ) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود و علامت (شناسه) " نَ " به آخر ریشه فعل اضافه می شود.

روش ساخت فعل مضارع دوم شخص جمع مونث در زبان فارسی :

می + **بن فعل** + **شناسه** = **فعل مضارع دوم شخص جمع مونث**

می + **نویس** + **ید** = **می نویسید**

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع دوم شخص جمع مونث در زبان عربی :

حرف مضارعة (نَ) + **ریشه فعل (سه حرف اصلی)** + **علامت (شناسه)** = **فعل مضارع دوم شخص جمع مونث**

نَ + **كَتَبَ** + **نَ** = **تَكْتُبْنَ** (می نویسید)



" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع دوم شخص جمع مونث "

ضمیر مُنْفَصِل: أَنْتُنَّ

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع دوم شخص جمع مونث

أَنْتُنَّ + **تَكْتُبْنَ** ← **أَنْتُنَّ تَكْتُبْنَ.**

(شما می نویسید. " جمع مونث ")

ضمیر مُتَّصِل: كُنَّ

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع دوم شخص جمع مونث + ضمیر مُتَّصِل

أَنْتُنَّ + **تَكْتُبْنَ** + **وَاجِبُكُنَّ** ← **أَنْتُنَّ تَكْتُبْنَ وَاجِبُكُنَّ.**

(شما تکلیفتان را می نویسید. " جمع مونث ")



حالا به بررسی فعل مضارع دوم شخص مثنی مذكر می پردازیم.

فعل مضارع دوم شخص مثنی مذكر

در فعل مضارع دوم شخص مثنی مذكر حرف مضارعة (نُ) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود و علامت (شناسه) "ان" به آخر ریشه فعل اضافه می شود.

روش ساخت فعل مضارع دوم شخص مثنی مذكر در زبان فارسی :

می + بن فعل + شناسه = فعل مضارع دوم شخص مثنی مذكر

می + نویس + ید = می نویسد .

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع دوم شخص مثنی مذكر در زبان عربی :

حرف مضارعة (نُ) + ریشه فعل (سه حرف اصلی) + علامت (شناسه) = فعل مضارع دوم شخص مثنی مذكر

نُ + كَتَبَ + ان = تَكْتَبَانِ (می نویسد)

" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع دوم شخص مثنی مذكر "

ضمير مُنْفَصِل : أَنْتُمَا

ضمير مُنْفَصِل + فعل مضارع دوم شخص مثنی مذكر

أَنْتُمَا + تَكْتَبَانِ ← أَنْتُمَا تَكْتَبَانِ .

(شما می نویسد " مثنی مذكر ")

ضمير مُتَّصِل : كُما

ضمير مُنْفَصِل + فعل مضارع دوم شخص مثنی مذكر + ضمير مُتَّصِل

أَنْتُمَا + تَكْتَبَانِ + وَاجِبِكُما ← أَنْتُمَا تَكْتَبَانِ وَاجِبِكُما .

(شما تکلیفیتان را می نویسد. " مثنی مذكر ")



حالا به بررسی فعل مضارع دوم شخص مثنی مونث می پردازیم.

فعل مضارع دوم شخص مثنی مونث

در فعل مضارع دوم شخص مثنی مونث حرف مضارعة (نُ) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود و علامت (شناسه) "ان" به آخر ریشه فعل اضافه می شود.

روش ساخت فعل مضارع دوم شخص مثنی مونث در زبان فارسی :

می + بن فعل + شناسه = فعل مضارع دوم شخص مثنی مونث

می + نویس + ید = می نویسد .

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع دوم شخص مثنی مونث در زبان عربی :

حرف مضارعة (نُ) + ریشه فعل (سه حرف اصلی) + علامت (شناسه) = فعل مضارع دوم شخص مثنی مونث

نُ + كَتَبَ + ان = تَكْتَبَانِ (می نویسد)

" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع دوم شخص مثنی مونث "

ضمیر مُنْفَصِل : أَنْتُمَا

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع دوم شخص مثنی مونث

أَنْتُمَا + تَكْتَبَانِ ← أَنْتُمَا تَكْتَبَانِ .

(شما می نویسد " مثنی مونث ")

ضمیر مُتَّصِل : كَمَا

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع دوم شخص مثنی مونث + ضمیر مُتَّصِل

أَنْتُمَا + تَكْتَبَانِ + وَاجِبِكَمَا ← أَنْتُمَا تَكْتَبَانِ وَاجِبِكَمَا .

(شما تکلیفتان را می نویسد . " مثنی مونث ")



★ نکته طلایی 1 ★

ساختار و ترجمه فعل مضارع دوم شخص مثنی مذکر ومونث در عربی شبیه هم هست .

★ نکته طلایی 2 ★

چرا ترجمه چهار فعل عربی (دوم شخص جمع) در فارسی فقط یک فعل است؟؟

1. زیرا در زبان فارسی برای جنس های مذکر ومونث فعل به یک صورت به کار می رود اما در زبان عربی برای جنس های مذکر ومونث فعل به صورت جداگانه به کار می رود.

2. در زبان فارسی برای مثنی (دو نفر) وجمع (بیش از دو نفر) فعل به یک صورت به کار می رود اما در زبان عربی برای مثنی * (دو نفر) وجمع (بیش از دو نفر) فعل به صورت جداگانه به کار می رود.



" مقایسه بین فعل ماضی (دوم شخص جمع) با فعل مضارع (دوم شخص جمع) "

" جدول فعل ماضی "

ترجمه	فعل ماضی	تصویر	شخص
من تکلیفم را نوشتم.	أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبِي		اول شخص مفرد
تو تکلیفت را نوشتی.	أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبِكَ		دوم شخص مفرد
	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِكِ		
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ		سوم شخص مفرد
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا		
ما تکلیفمان را نوشتیم.	نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبَنَا		اول شخص جمع
شما تکلیفتان را نوشتید.	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبِكُمْ		دوم شخص جمع
	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجِبِكُنَّ		
	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبِكُمْ		



" جدول فعل مضارع "

ترجمه	فعل مضارع	تصویر	شخص
من تکلیفم را می نویسم.	أَنَا أَكْتُبُ وَاجِبِي		اول شخص مفرد
تو تکلیفت را می نویسی.	أَنْتَ تَكْتُبُ وَاجِبِكَ		دوم شخص مفرد
	أَنْتِ تَكْتُبِينَ وَاجِبِكِ		
او تکلیفش را می نویسد.	هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَهُ		سوم شخص مفرد
	هِيَ تَكْتُبُ وَاجِبَهَا		
ما تکلیفمان را می نویسیم.	نَحْنُ نَكْتُبُ وَاجِبَنَا		اول شخص جمع
شما تکلیفتان را می نویسید.	أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ وَاجِبَكُمْ		دوم شخص جمع
	أَنْتُنَّ تَكْتُبْنَ وَاجِبِكُنَّ		
	أَنْتُمْ تَكْتُبَانِ وَاجِبَكُمَا		



* معرفی کلمه ی پرسشی " لِمَاذَا " و شیوه پاسخ دادن به آن *

کلمه پرسشی " لِمَاذَا " به معنای " چرا ، برای چه " می باشد ، برای سوال کردن درباره " دلیل انجام یک کار " استفاده می شود ، و این کلمه پرسشی همیشه در اول جمله ی سوالی قرار می گیرند.

پاسخ به سوالی که با " لِمَاذَا " آغاز شده باید چگونه باشد ؟

در ابتدای جواب باید از " لِ " به معنی " برای " و " لِأَنَّ " به معنی " برای اینکه " استفاده کنیم.

مانند 1. لِمَاذَا تَنْظُرُ إِلَى الْبَعِيدِ ؟ چرا به دور نگاه می کنی ؟
لِأَنِّي أَبْحَثُ عَنْ هُدًى . برای اینکه همد را جست و جو می کنم .

* فعل مضارع منفی به این نوع فعل ها در زبان فارسی دقت کنید!!!

خارج نمی شوی _ نمی روم _ نمی نویسد

این فعل ها ، فعل مضارع بوده اند که با آوردن حرف " ن " به اول آنها به فعل مضارع منفی تبدیل شده اند.

در زبان عربی برای منفی کردن افعال مضارع به روش زیر عمل می کنیم :

لا + فعل مضارع = فعل مضارع منفی

مانند :

لا + تَخْرُجِينَ (خارج می شوی "مونث") = لا تَخْرُجِينَ (خارج نمی شوی "مونث")

لا + أَذْهَبُ (می روم) = لا أَذْهَبُ (نمی روم)

لا + يَكْتُبُ (می نویسد "مذکر") = لا يَكْتُبُ (نمی نویسد "مذکر")

* شعر فعل ماضی منفی و فعل مضارع منفی :

مضارع با " لا "

ماضی با " ما "

همگی با هم دستا بالا



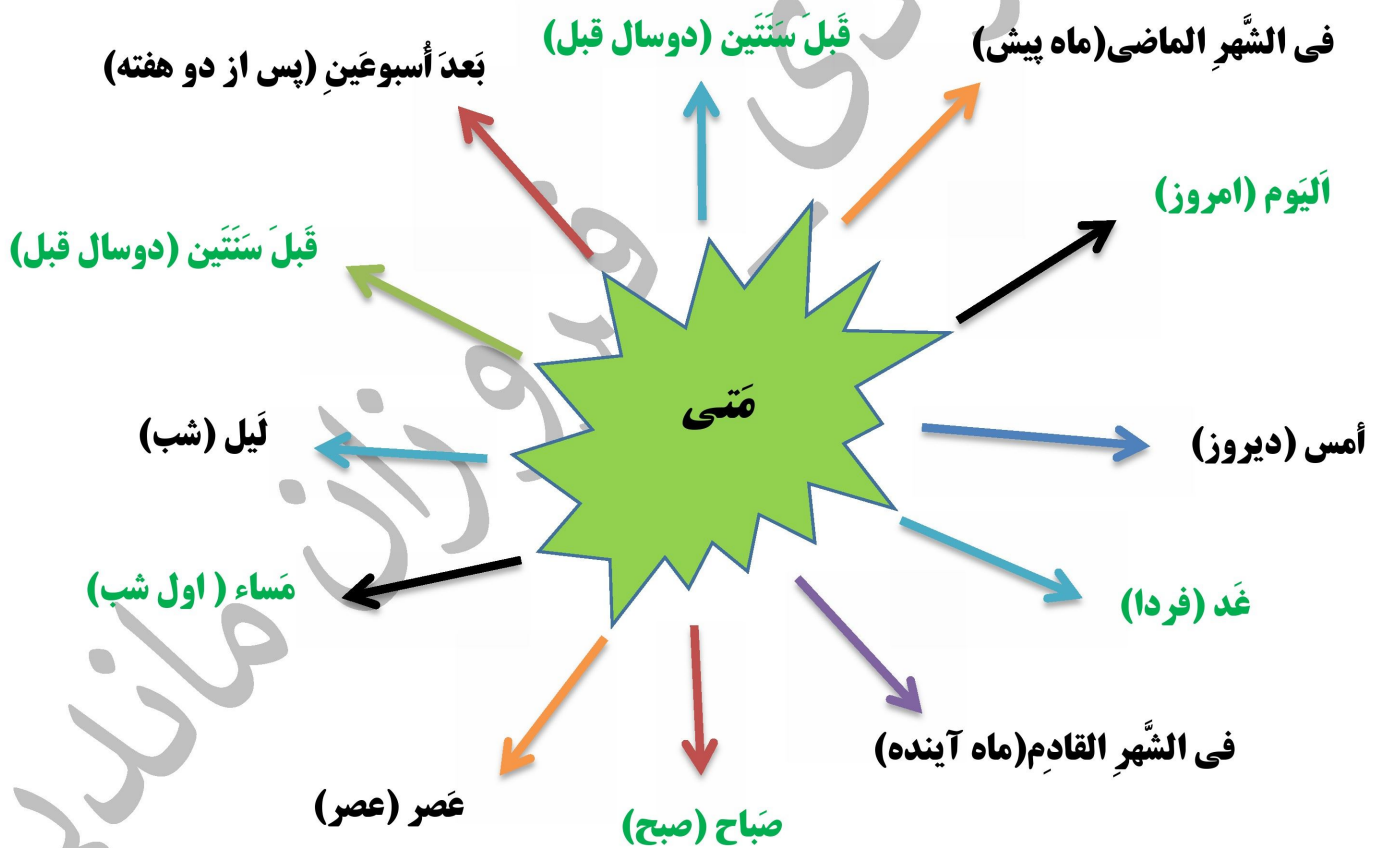
الدَّرْسُ السَّابِعُ

درس هفتم (معرفی کلمه ی پرسشی "متی" و شیوه پاسخ دادن به آن)

کلمه پرسشی "متی" به معنای "چه وقت" می باشد ، برای سوال کردن درباره "زمان" استفاده می شود ، و این کلمه پرسشی همیشه در **اول جمله ی سوالی** قرار می گیرند.

جواب به سوالی که با "متی" آغاز شده باید چگونه باشد ؟

در پاسخ از کلمات زیر استفاده می شود :



مانند 1: متى تذهبين إلى المدرسة؟

في الصباح.

چه موقع به مدرسه می روی؟

در صبح.

مانند 2: متى تأكل العشاء؟

في الليل.

چه موقع شام می خوری؟

در شب.

★ نکته طلایی 1 ★

هرگاه فعل در اول جمله قرار گیرد بصورت **مفرد** نوشته می شود ، اگرچه انجام دهنده (فاعل) **مثنی** یا **جمع** باشد.

مانند :

1. **تَطْبُخُ النِّسَاءُ طَعَامَ السَّفَرِ** " زنان غذای سفر را می پزند "

2. **يَخْرُجُ اللَّاعِبَانِ مِنْ سَاحَةِ الْمُسَابَقَةِ**. " دوبازیکن از حیاط مسابقه خارج می شوند "

در دو جمله بالا فعل به صورت مفرد به کار رفته در حالی که انجام دهنده (فاعل) در جمله " 1 " جمع و در جمله " 2 " مثنی است ، در چنین جملاتی فعل به صورت " **جمع** " ترجمه می شود.

درس هشتم (فعل مضارع سوم شخص جمع وضمائر منفصل ومتصل آن)

" فعل مضارع سوم شخص جمع "

فعل مضارع سوم شخص جمع فعلی است که در این فعل درباره افرادی صحبت می‌کنیم و آنها را مورد خطاب قرار می‌دهیم که در واقع این افراد حاضریا شنونده نیستند ، و در عربی **فعل مضارع سوم شخص جمع** عبارت است از:

1. فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر

2. فعل مضارع سوم شخص جمع مؤنث

فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر

3. فعل مضارع سوم شخص مثنی " که به دو دسته قسمت تقسیم می‌شود "

فعل مضارع سوم شخص مثنی مؤنث

ابتدا به بررسی فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر می‌پردازیم.

فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر

در فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر حرف مضارعة (**ي**) به ابتدای ریشه فعل اضافه می‌شود و علامت (شناسه) " **وَنَ** " به آخر ریشه فعل اضافه می‌شود.

فعل مضارع سوم شخص جمع در فارسی همان " **ایشان_ آنها** " هست : مانند **آنها می‌روند ، آنها انجام می‌دهند و.....**

روش ساخت فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر در زبان فارسی :

می + **بن فعل** + **شناسه** = **فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر**

می + **نویس** + **ند** = **می نویسند**

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر در زبان عربی :

حرف مضارعة (ي) + **ریشه فعل (سه حرف اصلی)** + **علامت (شناسه)** = **فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر**

ي + **كَتَبَ** + **وَنَ** = **يَكْتُبُونَ** (می نویسند)



" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر "

ضمیر مُنْفَصِل : هُم

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر

هُم + یکتُبُون ← هُم یکتُبُون .

(آنها می نویسند " جمع مذکر ")

ضمیر مُتَّصِل : هُم

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص جمع مذکر + ضمیر مُتَّصِل

هُم + یکتُبُون + واجِبُهُم ← هُم یکتُبُون واجِبُهُم .

(آنها تکلیفشان را می نویسند " جمع مذکر ")

حالا به بررسی فعل مضارع سوم شخص جمع مونث می پردازیم.

فعل مضارع سوم شخص جمع مونث

در فعل مضارع سوم شخص جمع مونث حرف مضارعة (ۛ) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود و علامت (شناسه) " نَ " به آخر ریشه فعل اضافه می شود.

روش ساخت فعل مضارع سوم شخص جمع مونث در زبان فارسی :

می + بن فعل + شناسه = فعل مضارع سوم شخص جمع مونث

می + نویس + نَد = می نویسند

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع سوم شخص جمع مونث در زبان عربی :

حرف مضارعة (ۛ) + ریشه فعل (سه حرف اصلی) + علامت (شناسه) = فعل مضارع سوم شخص جمع مونث

ۛ + کَتَبَ + نَ = یکتُبِنَ (می نویسند)



" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع سوم شخص جمع مونث "

ضمیر مُنْفَصِل : هُنَّ

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص جمع مونث

هُنَّ + يَكْتُبْنَ ← هُنَّ يَكْتُبْنَ .

(آنها می نویسند " جمع مونث ")

ضمیر مُتَّصِل : هُنَّ

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص جمع مونث + ضمیر مُتَّصِل

هُنَّ + واجِبَهُنَّ ← هُنَّ يَكْتُبْنَ واجِبَهُنَّ .

(آنها تکلیفشان را می نویسند " جمع مونث ")

حالا به بررسی فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر می پردازیم.

فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر

در فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر حرف مضارعة (ي) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود و علامت (شناسه) " ان " به آخر ریشه فعل اضافه می شود.

روش ساخت فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر در زبان فارسی :

می + بن فعل + شناسه = فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر

می + نویس + نَد = می نویسند

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر در زبان عربی :

حرف مضارعة (ي) + ریشه فعل (سه حرف اصلی) + علامت (شناسه) = فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر

ي + كَتَبَ + ان = يَكْتُبَان (می نویسند)



" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر "

ضمیر مُنْفَصِل : هُما

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر

هُما + یکتبان ← هُما یکتبان.

(آنها می نویسند " مثنی مذکر ")

ضمیر مُتَّصِل : هُما

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص مثنی مذکر + ضمیر مُتَّصِل

هُما + یکتبان + واجبهما ← هُما یکتبان واجبهما.

(آنها تکلیفشان را می نویسند " مثنی مذکر ")

حالا به بررسی فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث می پردازیم.

فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث

در فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث حرف مضارعة (نَ) به ابتدای ریشه فعل اضافه می شود و علامت (شناسه) " ان " به آخر ریشه فعل اضافه می شود.

روش ساخت فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث در زبان فارسی :

می + بن فعل + شناسه = فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث

می + نویس + نَ = می نویسند

حالا بریم سراغ روش ساخت فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث در زبان عربی :

حرف مضارعة (نَ) + ریشه فعل (سه حرف اصلی) + علامت (شناسه) = فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث

نَ + کتَبَ + ان = تکتبان (می نویسند)



" حالا بریم سراغ ضمائر فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث "

ضمیر مُنْفَصِل : هُما

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث

هُما + تَكْتَبَانِ ← هُما تَكْتَبَانِ .

(آنها می نویسند " مثنی مونث ")

ضمیر مُتَّصِل : هُما

ضمیر مُنْفَصِل + فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث + ضمیر مُتَّصِل

هُما + تَكْتَبَانِ ← هُما تَكْتَبَانِ وَاجِبَهُمَا .

(آنها تکلیفشان را می نویسند " مثنی مونث ")



★ نکته طلایی 1 ★

" راه تشخیص فعل مضارع دوم شخص مثنی از فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث "

1. با توجه به ضمیر

مانند :

الف) أَنْتُمْ تَجْلِسَانِ عَلَى الْكُرْسِيِّ. " شما بر روی صندلی می نشینید "

ب) هُمَا تَجْلِسَانِ عَلَى الْكُرْسِيِّ. " آنها بر روی صندلی می نشینند "

در مثال الف با توجه به ضمیر " أَنْتُمْ " فعل تَجْلِسَانِ فعل مضارع دوم شخص مثنی است ، ولی در مثال ب با توجه به ضمیر " هُمَا " فعل تَجْلِسَانِ فعل مضارع سوم شخص مثنی مونث است .

2. با توجه به تصویر



مقایسه بین فعل ماضی (سوم شخص جمع) با فعل مضارع (سوم شخص جمع)

" جدول فعل ماضی "

ترجمه	فعل ماضی	تصویر	شخص
من تکلیفم را نوشتم.	أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبِي		اول شخص مفرد
تو تکلیفت را نوشتی.	أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبِكَ		دوم شخص مفرد
	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِكِ		
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ		سوم شخص مفرد
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا		
ما تکلیفمان را نوشتیم.	نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبِنَا		اول شخص جمع
شما تکلیفتان را نوشتید.	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبِكُمْ		دوم شخص جمع
	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجِبِكُنَّ		
	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبِكُمْ		
آنها تکلیفشان را نوشتند.	هُمْ كَتَبُوا وَاجِبَهُمْ		سوم شخص جمع
	هُنَّ كَتَبْنَ وَاجِبَهُنَّ		
	هُمَا كَتَبَا وَاجِبَهُمَا		
	هُمَا كَتَبَتَا وَاجِبَهُمَا		

" جدول فعل مضارع "

ترجمه	فعل مضارع	تصویر	شخص
من تکلیفم را می نویسم.	أنا أَكْتُبُ واجِبِي		اول شخص مفرد
تو تکلیفت را می نویسی.	أنتِ تَكْتُبُ واجِبِكَ		دوم شخص مفرد
	أنتِ تَكْتُبِينَ واجِبِكِ		
او تکلیفش را می نویسد.	هُوَ يَكْتُبُ واجِبَهُ		سوم شخص مفرد
	هِيَ تَكْتُبُ واجِبِهَا		
ما تکلیفمان را می نویسیم.	نحنُ نَكْتُبُ واجِبِنَا		اول شخص جمع
شما تکلیفتان را می نویسید.	أنتم تَكْتُبُونَ واجِبِكُمْ		دوم شخص جمع
	أنتن تَكْتُبْنَ واجِبِكُنَّ		
	أنتما تَكْتُبانِ واجِبِكُما		
آنها تکلیفشان را می نویسند.	هم يَكْتُبُونَ واجِبَهُم		سوم شخص جمع
	هن يَكْتُبْنَ واجِبَهُنَّ		
	هُما يَكْتُبانِ واجِبَهُما		
	هُما تَكْتُبانِ واجِبَهُما		

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

درس نهم (معرفی کلمه ی پرسشی " کَيْفَ " و شیوه پاسخ دادن به آن _ ترجمه عند و " لَ ، لِ ")

کلمه پرسشی " کَيْفَ " به معنای " چطور ، چگونه " می باشد ، برای پرسش از کیفیت ، حالت و چگونگی (اَشْیَاءُ وَ اشْخَاصَ) _ (انجام یک کار) استفاده می شود. و این کلمه پرسشی همیشه در اول جمله سوالی قرار می گیرند.

مانند 1 : کَيْفَ حَالُکَ؟ حالت چطوره؟

أنا بخير. من خوبم .

مانند 2 : کَيْفَ ذَهَبْتَ؟ چگونه رفتی؟

ذَهَبْتُ بِسُرْعَةٍ. به سرعت رفتم .

مانند 3 : کَيْفَ الْجَوُّ فِي الصَّيْفِ؟ هوا در تابستان چگونه هست؟

الْجَوُّ حَارٌّ. هوا گرم است .

گاهی کلمه " عِنْدَ به معنی نزد " یا " لِ ، لَ به معنی برای " برای مالکیت (داشتن) به کار می رود.

مانند 1 : لَنَا مَكْتَبَةٌ. کتابخانه ای داریم .

مانند 2 : هَلْ عِنْدَكَ قَلَمٌ أَرْقُ؟ آیا مداد آبی داری؟

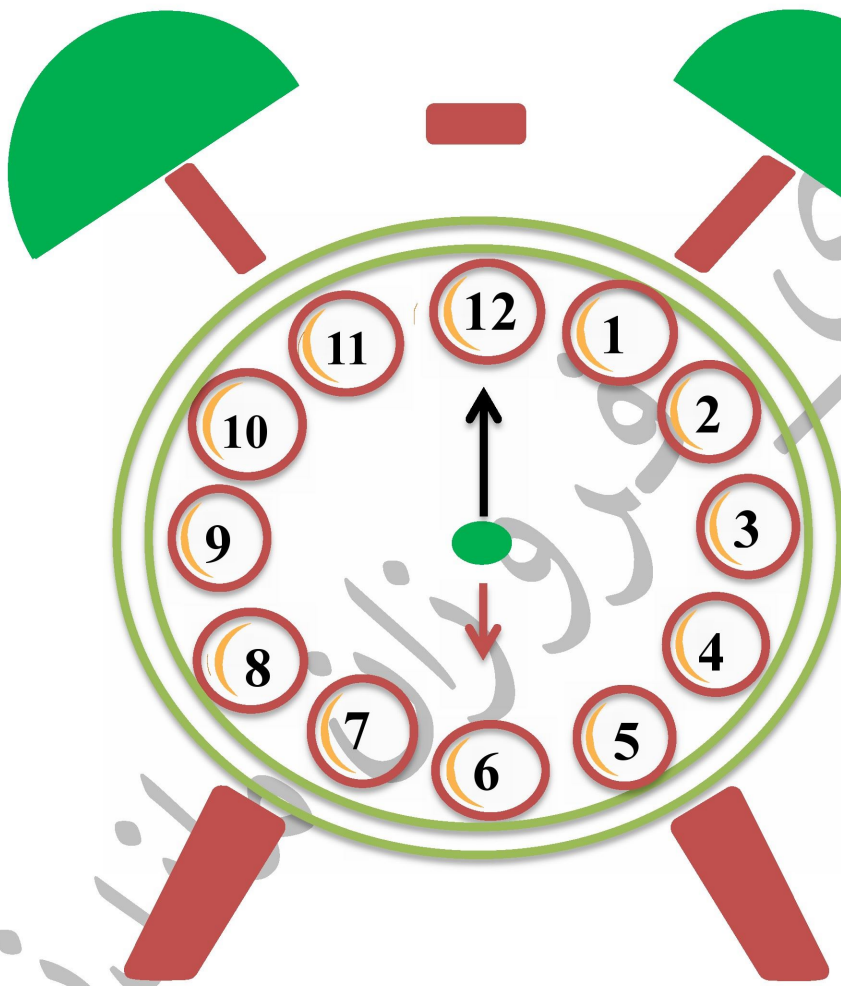
لا ، عِنْدِي قَلَمٌ أَخْضَرٌ. نه ، مداد سبز دارم .

مانند 3 : لَهُمْ حَدِيقَةٌ جَمِيلَةٌ. باغ زیبایی دارند .



الدَّرْسُ العَاشِرُ

درس دهم (ساعت خوانی)



كم السَّاعَةُ الآن؟

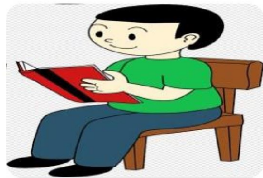
ابتدا باید با اعداد اصلی (شمارشی) و اعداد ترتیبی آشنا شوید.

اعداد در عربی به دودسته تقسیم می شوند که عبارت اند از:

1. اعداد اصلی (شمارشی) : اعدادی هستند که با آنها "شمارش" صورت می گیرد و تعداد را نشان می دهند .

مانند : تعداد کلید های موجود در یک تصویر ، تعداد در های یک مدرسه و

مانند 1 : كم و لَدَا في الصَّوْرَةِ ؟ چند پسر در تصویر است ؟



واحد . یک .

اعداد اصلی (شمارشی) عبارت اند از :

مذکر	مؤنث
"1" واحد	واحدة
"2" اثنان	اثنان
"3" ثلاث	ثلاثة
"4" أربع	أربعة
"5" خمس	خمسة
"6" ست	سنة
"7" سبع	سبعة
"8" ثمانی	ثمانية
"9" تسع	تسعة
"10" عشر	عشرة
"11" أحد عشر	أحدى عشرة
"12" اثنا عشر	اثننا عشرة



2. اعداد ترتیبی: اعدادی هستند که " ترتیب " در آنها اهمیت دارد.
مانند : ترتیب درس های یک کتاب (درس اول ، درس دوم و.....) ، رتبه (اول، دوم و...) و.....

مانند 1: الدرسُ الأوَّلُ ، الدرسُ الثَّانی و.....

مانند 2: المَقَامُ الأوَّلُ ، المَقَامُ الثَّانی و.....

اعداد ترتیبی عبارت اند از :

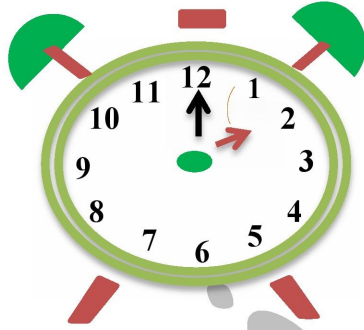
مذكر	مؤنث
"1" الأوَّلُ	الأوَّلَى
"2" الثَّانی	الثَّانیة
"3" الثَّالِثُ	الثَّالِثَة
"4" الرَّابِعُ	الرَّابِعة
"5" الخَامِسُ	الخَامِسة
"6" السَّادِسُ	السَّادِسة
"7" السَّابِعُ	السَّابِعة
"8" الثَّامِنُ	الثَّامِنة
"9" التَّاسِعُ	التَّاسِعة
"10" العَاشِرُ	العَاشِرة
"11" الحَادِی عَشَرَ	الحَادِیة عَشَرَ
"12" الثَّانی عَشَرَ	الثَّانیة عَشَرَ



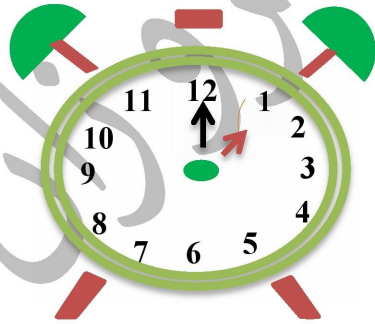
" نکات مربوط به ساعت خوانی در عربی "

1. در این درس فقط با نحوه **ساعت خوانی کامل** " ساعت یک تمام ، ساعت دو تمام و " آشنا خواهیم شد ، موارد دیگر ساعت خوانی را در سال آینده در پایه نهم فرا خواهید گرفت.
2. در زبان عربی برای بیان ساعت (خواندن ساعت) از **اعداد ترتیبی مونث** استفاده می شود جز برای بیان ساعت " 1 " که از **عدد اصلی مونث (الواحدة)** استفاده می شود .

* ساعت کامل ← 1:00 _ 2:00 *



مانند 1. كم الساعة؟ (ساعت چند هست؟)
الثانية (دو).



مانند 2. كم الساعة؟ (ساعت چند هست؟)
الواحدة (یک).

* می توانیم قبل از ذکر عدد ساعت ، کلمه " الساعة " را نیز بیاوریم.

مانند : الساعة الثانية (ساعت دو است) .

الساعة الواحدة (ساعت یک است) .



3. زمانی که ساعت کامل " تمام " باشد از پسوند " تماماً " استفاده می کنیم.

مانند : السَّاعَةُ العَاشِرَةُ **تماماً**. (ساعت ده تمام است)

السَّاعَةُ الواحِدَةُ **تماماً**. (ساعت یک تمام است)

4. در زبان عربی ساعت را به صورت " 12 " ساعته می گویند وساعت های بعداز "12" را با آوردن کلمه " **مساءً** " بیان می کنند.

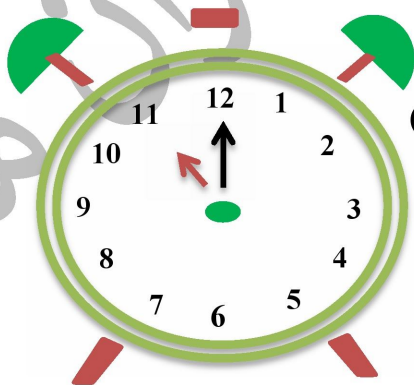
مانند : ساعت 14 ← السَّاعَةُ الثَّانِيَةُ **مساءً**.

كم السَّاعَةُ الآنَ؟؟



1. كم السَّاعَةُ الآنَ ؟ (ساعت چند هست ؟)

السَّاعَةُ الرَّابِعَةُ **تماماً**. (ساعت چهار تمام است.)



2. كم السَّاعَةُ ؟ (ساعت چند هست ؟)

السَّاعَةُ الحَادِيَةُ العَشْرَةَ **تماماً**. (ساعت یازده تمام است)



هر کس نهایت تلاش خود را برای رسیدن به هدف به کار گیرد
به تمام خواسته هایش می رسد
(امام علی ع)

"مهران بهزادی - فروزان ماندنی"

